



استقبال لایق شیر علی از یک شعر ملک الشعراء بهار

دکتر المخان کوچراف

استاد دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان

در کتاب «فریاد بی فریاد رس» (۱۹۹۷) نوشته‌ی لایق شیرعلی - شاعر شهیر تاجیک - شعری مندرج است با نام «من و تو». تاریخ تألیف این شعر، آوریل ۱۹۹۴ م. است و برداشتی است از وقایع مدهش جنگ داخلی که در ابتدای دهه‌ی نود قرن بیست، پس از آن که اتحاد شوروی از هم پاشید، بر مردم تاجیک تحمیل شده بود. شاعر، بر آن است که سبب اساسی درگیری در جنگ محلی، قومیت‌گرایی، و بیگانه پرستی است. قوم‌گرایی که نتیجه‌ی تفکر محدود و جهان بینی سطح پایین است، جز انگیزختن تفرقه و نارضایی، ثمری ندارد. ماهیت خرابی آور و ضد مردمی قوم‌گرایی، در شعر «من و تو» بسیار واقعی و جالب تصویر گردیده است و شکل شعری ترکیبی‌اند برای بیان این معنی کاملاً سازگار است:

سخنی هیچ نه از فرکیانی گفتیم

تو بدخشانی، خجندی، ختلانی گفتیم

تو سمرقندی، زرفشانی و خانی گفتیم

تو بخاری، تو حصارى تو فلانى گفتيم
بس كه بيگانه پرستيم، امان از من و تو
سست و بى مایه و پستيم، امان از من و تو

شاعر در چهارده بندشش مصراعى، تمامى جنبه‌هاى خرابى آور قوم‌گرایی را پيش نظر مى‌آورد. قوم‌گرایی از «دبّه و دنگى»، «گيج و گرنكى» و «دوروى و دورنگى» سر مى‌زند؛ نشانه‌اش «بى فرهنگى»، «بيگانه پرستى» و نتیجه‌اش، «ضديت»، «غارت»، «محتاجى»، «سرسانى» و «سرگردانى مردم» و «خرابى» و «گرفتارى ملك» است. جنگ محلى چون نتیجه‌ى نهايى قوم‌گرایيست، ضديت‌هاى اقوام درگير در جنگ را به اوج اعلا رسانده، راه آشتى و گذشت را بى‌نهايت، دشوار گذر مى‌نماید. شاعر با سوز و گداز دل و دیده‌ى كور، كوتاهى عقل و شعور و بدخواهى گروه‌هاى قوم‌گرا را بيان کرده و تنها راه نجات از اين ورطه‌ى هلاكت را در آشتى و عهد و پيمان هم‌وطنى مى‌داند. او بر اين معنى، در بيت جمع بندى تأكيد کرده است. تركيب «امان از من و تو» كه ۲۸ بار به جنبه‌هاى مختلف قوم‌گرایی و جدایی اندازی، اشاره مى‌كند، در بيت مقطع، جلوه‌اى ديگر دارد:

پس، بيا، دست به هم داده و پيمان سازيم
در بد و نيك به هم بوده و دوران سازيم
در حريم دلمان معبد ايمان سازيم
نه شمالى نه جنوبى يکى انسان سازيم
تا دگر بار نگويم، امان از من و تو

تا به تکرار نگويم، امان از من و تو
جالب توجه است كه شعر «من و تو» تتبعى است از «امان از من و تو»، شعر شاعر، روزنامه نگار، محقق و پژوهشگر، استاد ملك الشعرا بهار (۱۸۸۶ - ۱۹۵۱). اين شعر، در بحر رمل مثنوى مخبون محذوف تأليف گردیده و در نه بندشش مصراعى. شعر «امان از من و تو» از جهت نوع شعر، ترجيع بند است؛ ولى با ترجيع بند سنتى اين تفاوت را دارد كه مصراع يكم بيت ترجيع در هر بند، از لحاظ مضمون، تغيير پذيرفته و مصراع دوم آن تکرار مى‌شود:

باز هم بر سر جنگيم، امان از من و تو!
من و تو هر دو جفنگيم، امان از من و تو!
يا كه:

خوب نقاش زرنگیم، امان از من و تو!

من و تو هر دو جفننگیم، امان از من و تو!

شعر «امان از من و تو» در سال ۱۹۱۰ میلادی نوشته شده که زمان اوج جنبش مشروطه خواهی در ایران بود و استاد ملک الشعراء بهار با شعرهای «کار ایران با خداست» (۱۹۰۵)، «سوی لندن گذر ای پیک نسیم سحری» (۱۹۱۰) و تأسیس روزنامه‌های «خراسان» و «نوبهار»، در این حرکت‌های سیاسی، فعالانه شرکت می‌کرد و شاید به خاطر روح ضد استبدادی و فاش‌گویی اشعارش بود که سال ۱۹۱۱ میلادی به تبعید محکوم گردید.

چنین است که لایق شیرعلی، لفظ و معنی شعر «امان از من و تو» را در افاده‌ی ناآرامی زمان و مکان خود، زیاده‌سازگار دریافته؛ در همان نوع و همان وزن، شعری در خور فاجعه‌ی روزگارش با نام «من و تو» ایجاد می‌کند. لایق در آغاز، بند اول شعر ملک الشعراء بهار را اقتباس می‌کند:

هیچ دانی که چه کردیم به مادر من و تو؟

یا چه کردیم به هم جان برادر، من و تو؟

سعی کردیم به ویرانی کشور من و تو

رو که آف بر تو و من باشد و تُف بر من و تو

هر دومان مایه‌ی تنگیم، امان از من و تو

من و تو هر دو جفننگیم، امان از من و تو

مانندی زبان، عرف و عادت مردمان و وضع زمانه‌ی هر دو شعر، باعث به هم نزدیک شدن سبک نگارش و روح انتقادی شعرهای مذکور گردیده است. در هر دو شعر، از کنایه، تعریض، رمز و دیگر ابزار مؤثر تصویرسازی، فراوان استفاده گردیده است. در شعر دوم، حال و هوای شعر اول، به تمامی، نگاه داشته شده است.

بهار: گاه تریاک کشیدیم و گهی بنگ زدیم

لایق: بنده‌ی نشنه و بنگیم، امان از من و تو

بهار: سنگ برداشته بر کله‌ی هم سنگ زدیم

لایق: بهر سرکوبی هم آهن و سنگ آوردیم

شعر «امان از من و تو»، خصوصیت هجوی دارد. در آن، ضدیت و دسیسه‌کاری‌های گروه‌های

منفعت جو و جدایی خواه، بی ترحم مسخره می شود. در این حالت، ابزارهای تصویرسازی نظیر مبالغه و تشبیه - که بر نیروی هجوی بندهای جداگانه می افزاید - جایگاه برجسته ای پیدا می کند:

ای برادر، تو خری، من از تو خرتر بالله
بہتر از ما و تو دانی چه بود؟

- خر بالله.

خر به چاله نهد پی مکرر بالله
زین خریت ها ویران شده کشور بالله!
ما به فکر خرنگیم، امان از من و تو
من و تو هر دو جفننگیم، امان از من و تو.

ولی در شعر «من و تو»، هجو وجود ندارد. قهرمان غنایی، با دلسوزی و جدیت تمام، غفلت زدگی، دیگرکُشی و بیگانه پرستی گروه های منفعت خواه اجتماعی را محکوم می کند. این است که شعر لایق نوعی روح نویسنده گی دارد.

به طور کلی، استقبال لایق شیر علی از شعر امان از من و تو، استاد ملک الشعرا، بهار، تأکید بر آن دارد که رابطه های ادبی تاجیک و فارس در دوره ی نو نیز بسیار قوی است و این مسأله نیازمند پژوهش جدی و گسترده است.